تاریخ وصول:۱۳۸۷/۳/٤
تاریخ پذیرش:۱۳۸۸/٤/٤

مقاصد شریعت از دیدگاه شیخ محمّد جواد مغنیه

دکتررحیم وکیل زاده *

چکیده:

یکی از مباحث کلیدی و قابل توجه عصر حاضر، بحث از مقاصد شریعت یـا اهـداف دین است؛ «فقه مقاصد» یا «مقاصد فقه» عناوینی هستند که دیگر نمـی تـوان بـه راحتی از کنار آنها گذشت و آن را بی اهمیت دانست.

اثبات «اهمیّت بحث مقاصد شریعت» در میان دانشیان و فقیهان شیعی یکی از اهداف این مقاله است که دنبال نموده ایم.

شیخ محمد جواد مغنیه از جمله معدود فقهایی است که در فهم نصوص عناصری چون«توجه به مقاصد» را در نظر گرفته و به «فهم اجتماعی نصوص» و «عرف» توجه ویژه نموده است. در این مقاله آثار فقهی ایشان مورد بررسی قرار گرفته و علاوه بر ذکر شواهد، به حدی که مجال داشته ایم، به تحلیل آنها پرداخته ایم.

کلید واژه‌ها: اجتهاد، مقاصد یا اهداف شریعت، فقه، محمد جواد مغنیـه، عبـادات و معاملات.

*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
Rahim_phd@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقاصد شریعت

مقاصد جمع مکسر مقصد، اراده‌ها، آرزوها، آهنگ‌ها و عزیمت‌ها معنی شده است. (دهخدا، لغتنامه، ۴۵، ۸۷۷)

واژه قصد، در لغت، میانه راه رفتن، آهنگ چیزی را کردن و حرکت بسوی چیزی است. (همان، ۳۸،۳۲۲) همچنین معانی اراده و هدف نیز ذکر گشته است. (مصطفی سانو، معجم مصطلحات اصول‌الفقه، ۴۳) آنچه از این کاربردها به دست می‌آید آن است که واژه "قصد" در رفتارهای انسانی با هدف و غرض به کار می‌رود. این معنا بیشتر بر پایه کارهای قصدی روشن شکل می‌گیرد. همین معنا از وظایف اولیه قانون‌گذاری، ازجمله قانون‌گذاری اسلامی به دور نیست؛ بدین معنا که رفتار انسانی به گونه‌ای باشد که قصد مکلف، موافق قصد قانون‌گذاراز قانون‌گذاری باشد.

حقیقت دانش مقاصد ریشه‌ای کلامی دارد و بیان می‌دارد که خداوند حکیم فعل و عمل بی‌هدف مرتکب نمی‌شود زیرا این کار با حکمت بالغه او منافات دارد؛ همچنین محال است حکمی – چه تکلیفی و چه وضعی – بدون غرض و مقصد وضع نماید. دفع مفسده و جلب مصلحت از بندگان در دنیا و آخرت بالاترین مقصد در شریعت اسلام می‌باشد. بر همین اساس، مقاصد و مصالح باید در استنباط احکام مورد لِحاظ قرار گیرد، در غیر این صورت اهداف رسالت الهی محقق نخواهد شد.

کلمه‌ی مقاصد وقتی اضافه به واژه فقه می‌شود، در معتبرترین تعریف خود، به معانی و اهداف لحاظ شده درشرع اطلاق می‌گردد که درتمام یا بیشتراحوال تشریع (قانون گذاری) مورد توجه قرار گرفته است.(همان) دومین تعریف علم مقاصد به نحوی کوتاه و مختصر بدین شرح است:

اهداف و اسراری از شریعت که شارع در هر حکمی از احکام وضع کرده است (همان: الغایه من الشرعیهٔ و الاسرار التی وضعها الشارع ، عند کل حکم من احکامها)

مقاصد در بحث‌های تخصصی خود به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شده است، مقاصد اصلی که اصل و اساس هستند و مقاصد تبعی که در خدمت مقاصد اصلی و مکمل آنها به شمار می‌آیند و تقسیمات عدیده دیگر مانند مقاصد عام و خاص، جزئی و کلی و ....

Archive of SID

www.SID.ir

طرح موضوع

بی‌تردید اگر عنصر اجتهاد از صحنهٔ فرهنگ مسلمانان حذف می‌شد یا وجود نداشت، دینی چنین فرهنگ‌ساز و با تمدن پیشرو و متعالی و با قابلیت تربیت انسان‌های بزرگ، وجود نداشت.

اجتهاد در معنای مثبت آن؛ یعنی تلاش مستمر و پویایی و اجتناب از رکود و ایستایی که راه رسیدن به گوهر دین و وسیله شناخت احکام الهی و ابزار پاسخگویی به نیازهای زمان و مکان در طول تاریخ است.

مطالعه در تاریخ اجتهاد، این حقیقت مسلم را آشکار می‌کند که رگه‌های اجتهاد در میان اندیشمندان بزرگی از شیعه و سنی وجود داشته است و هر کدام با ویژگی خاصی در تبیین زوایای مختلف فقه و فقاهت تلاش نموده‌اند. یکی از عرصه‌های بسیار مهم در این حوزه، عرصهٔ مقاصد دین یا شریعت یا اهداف دین است که توجه به آن ابهامات را رفع کرده، چهره پویای فقاهت را می‌نمایاند.

از دیدگاه شیعه ریشه‌های بحث مقاصد در وهله اول از قرآن و در مرتبه بعد از سنت آغاز گشته است.

قرآن کریم برای کلیت ارسال‌رسل، وانزال کتب، نتایج و اهدافی را برمی‌شمارد، (آل عمران، ۱۶۴؛ اعراف، ۵۷؛ انفال، ۲۴؛ حدید، ۹ و ۲۵؛ جمعه،۲)که حاکی از هدفمندی کلیه شرایع آسمانی می‌باشد. بنابراین انکار این حقیقت مسلم یعنی هدفدار بودن ادیان، جهالت محض، و منکر آن، یا جاهل و یا مغرض است.

در نتیجه شریعتی که دارای هدف است و تفکر و خردورزی پایه نخست و سنگ بنای آن است و انسان‌ها در این شریعت به تفکر در دستاوردهای آن مأمورند، فهم و کشف اهداف، مقاصد و ملاک‌های احکام نیز امری مطلوب، بلکه سفارش شده است؛ خداوند فرموده است:«و این قرآن را بسوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آن‌چه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند.»

و نیز فرموده است:«و کسانی‌که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی‌افتند.» «و انزلنا الیک الذکر لتبیّن للناس ما نزل الیهم و لعلکم یتفکرون» (نحل،۴۴)

Archive of SID

www.SID.ir

اما هنگامی که قرآن مجید برای احکام جزئی و خرد نیز غرض یا اغراض خاصی را بیان می‌کند، این حقیقت مسلم آشکارتر می‌گردد که احکام الهی معلل هستند و در اصل تشریع دارای اهداف و غایاتی بوده‌اند، و این غایات قابل کشف است و خداوند خود برخی از این اهداف و مقاصد و علل را بیان فرموده است.

ذکر نمونه‌هایی از این دست، گواه روشن بر صدق این مدعاست:

فلسفه حج و علت آن	بقره،۱۲۵ ؛ حج، ۲۸و۲۹
علت تحریم ربا	بقره،۲۷۵ و ۲۷۶؛ نساء،۱۶۱
علت ابتلاء	مومنون،۳۰ ؛ آل عمران،۱۵۴
علت عدم استجابت	نمل،۹۲؛ رعد،۱۴؛ غافر،۵۰
علت وجوب صلاة	انعام،۹۲؛ طه،۱۴؛ عنکبوت،۴۵
علت طلاق	بقره،۲۳۶؛
علت زکات	توبه،۱۰۳
علت طهارت	مائده،۶
علت تحریم لواط	عنکبوت،۲۹ و۲۸؛انبیاء،۷۴؛ الشعرا،۱۷۴؛ نمل،۵۵.

یکی دیگر از دلائل معلل بودن احکام الهی و ابتناء آنها بر مصالح و مفاسد، ذکر علت در کلام معصومین(ع) می‌باشد. چرا که از یک سو حدیث معصوم، مفسّر آیات الهی است و از سوی دیگر کلام این بزرگواران هم‌ردیف کتاب، حجّت است و معتبر.

بدون تردید یکی از گویاترین نصوص در این باره، خطبه حضرت فاطمه(س) است که در آن برای ایمان، نماز، زکات، روزه، حج، عدل، وجوب اطاعت، امامت، جهاد، صبر، امربه معروف، نیکی به پدر و مادر، صله رحم، قصاص، وفا به نذر، دقت در خرید و فروش، اجتناب از برخی محرمات، عدالت در قضاوت و حرمت شرک، علت و حکمت‌هایی بیان شده است:

«خداوند ایمان را برای پاک نمودن از شرک، نماز را برای رهایی از کبر، زکات را به خاطر زیادی در رزق، روزه را به دلیل تثبیت اخلاص، عدل را برای تراوت بخشی به قلوب، طاعت (فرمانبرداری از امام) را برای سازمان یافتن امور امت، امامت را برای جلوگیری از فرقه فرقه شدن،

Archive of SID

www.SID.ir

جهاد را برای عزت اسلام، صبر را وسیلهٔ استجابت دعا، امر به معروف را برای مصلحت عموم، نیکی به والدین را برای در امان ماندن از خشم خدا، صله ارحام را برای فراوانی خویشاوندان، قصاص را برای پاسداری از خون‌ها، وفاء به نذر را وسیله مغفرت، رعایت پیمانه و ترازوها را برای تغییر صفت خساست، اجتناب از قذف محصنات را بخاطر مانعی برای ملعون شدن، اجتناب از سرقت را برای تحقق عفت، دوری از مال یتیم را برای دور شدن از ظلم و عدالت در احکام (قضاوت) را برای مأنوس شدن با رعیت واجب کرد؛ و همچنین خداوند عزوجلّ، شرک را به خاطر خلوص در پرستش خدا حرام نمود.» (ابوجعفر محمد جریر الطبری، علل الشرایع، ۱، ۲۳۶)

نظیر این مضمون در نهج البلاغه، از امام علی(ع) نیز نقل گردیده است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲)

به هر حال تمامی احکام اسلامی برای جلب مصالح و جلوگیری مفاسد است و این سخن با مبانی کلامی و فقهی قابل اثبات است؛ اگر چه این نکته نیز باید گفته شود که انسان نمی‌تواند در تمام تفصیلات عبادات، اسرار را درک کند؛ «فالعبد عبد و الرب رب و ما اسعد الانسان إذا عرف قدرنفسه»

و کم لله من سرّ خفی یدق خفاه عن فهم الذکی (قرضاوی، العبادة فی الاسلام، ۲۲۰)

فوائد بحث مقاصد

در طول تاریخ کسانی از علما بوده‌اند که همّ و غم آنان به این قضیه و نظریه‌پردازی پیرامون آن بوده است. نگاهی منصفانه این مطلب را نشان می‌دهد که عالمان سنّی در بحث مقاصد دین پیشرو بوده‌اند و نام بزرگانی مثل امام شاطبی صاحب«الموافقات» و... به ذهن تداعی می‌کند.

اکنون یک از دغدغه‌های‌بزرگ‌جهان‌اسلام، یافتن راهکار انطباق فقه اسلامی با پیشرفت‌های شگرف جهان پیرامون آن است و هدف از این مقاله، کوششی هر چند مختصر در این راه خطیر و مهم است. قبل از آنکه پیرامون اهداف بحث از مقاصد شریعت بپردازیم، تذکر نکته‌ای حائز اهمیت است و آن این‌که مقاصد فقه بخشی از بحث در مورد مقاصد دین است؛ در واقع نسبت بین مسأله مقاصد دین و مقاصد فقه، نسبت عموم و خصوص مطلق است.

Archive of SID

www.SID.ir

نکته بعد آن‌که مجتهد زمانی می‌تواند حکم شرعی را – آن‌چنان که شایسته است– استنباط کند که مراد و مقصد شارع را بفهمد و مردم نیز آن‌گاه عمل درستی انجام داده‌اند که اعمالشان مطابق با نظر و مراد قانونگذار باشد؛ به عبارت دیگر شناخت اهداف و غایات فقه برای دستیابی به صحت اعمال، ضروری است.

پویایی و حرکت فقه با توجه به مقاصد آن و ایستایی و رکودش با توجه نکردن به فلسفهٔ آن رابطه تنگاتنگ دارد.

یکی از اهداف مهم بحث، قضاوت و داوری در مورد برخی از اخبار و روایات است که خود، مقدمهٔ حل قسمت عمده‌ای از تعارضات است؛ به بیان دیگر اگر بحث مقاصد نهادینه شود و مرزهای آن محدود گردد، زیاده روی و کوتاهی در آن متمایز شود، شاید بتوان ادعا کرد که در کنار مرجحات باب تعارضات، می‌توان مرجحی دیگر با عنوان، سازگاری و مطابقت با مقاصد فقه و دین، اضافه نمود. و پس از این، به ارزیابی اسناد متون حدیثی پرداخت. علاوه بر قانونگذاری، در عرصه اجرا نیز توجه به مقاصد اهمیت بسزایی دارد.

به نظر اینجانب، فرضیهٔ زمان و مکان در اجتهاد و تغییر برخی از احکام به خاطر گذشت زمان نیز، از این زاویه ـ یعنی توجه به مقاصد و فلسفه فقه ـ توجیه پذیرتر است.

از فوائد شناخت مقاصد و اهداف شریعت، امکان ارزیابی فقه است، زیرا وقتی هدف مجموعه‌ای مشخص شد، می‌توان ارزیابی کرد که شأن آن در کجا قرار دارد. به واقع، همیشه باید در ارزیابی و سنجش مجموعه‌ها، غایت را در نظر گرفت، و توجه کرد که هدف نهایی مجموعه چه بوده است، تا بتوان دریافت چه مقدار از هدف را تأمین کرده است و آیا کجا از حوزه‌ی خود خارج شده؟

اگر هدف، غایت و مقصد وجود نداشته باشد، امکانی برای ارزیابی درست از میزان توفیق یا پیشرفت مجموعه نیست.

همانطورکه اگر بحث در حوزه‌ی مقاصد احکام دنبال شود، ماندگاری و اجرا پذیری دین بیشتر می‌شود، یعنی بهتر می‌توان از کیان و هویت دینی در شرایط مختلف دفاع کرد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت اهمیّت دانش مقاصد در دستیابی به این اهداف است:

Archive of SID

www.SID.ir

* ارزیابی حرکت کلی فقه و کارکرد آن
* مرزبندی و تعیین حوزه دانش فقه
* رفع تعارض در عرصه های قانونگذاری و اجرا (با توجه به اولویت مصالح)
* نزدیک کردن مدارک و دیدگاه علمی علما به یکدیگر
* پاسخ گوئی به مسائل مستحدثه و نوظهور در تمام مکان‌ها و زمان‌ها
* دستیابی به نظام‌ها و قواعد فقه
* دسته‌بندی احکام و مسائل شرعی در مجموعه‌ای منسجم و منطقی
* ماندگاری و اجرا پذیری دین
* دفاع از هویت دینی در شرایط مختلف و دفاع از حوزه و حریم اجتهاد.

نظرات پیرامون مقاصد

تعلیل و تعبد:

تعلیل در لغت بیان علت و سبب است، (نرم افزار دهخدا، ذیل ماده تعلیل)همین معنا در اصطلاح اصولی نیز به کار رفته است. تعلیل اصطلاحی است که اساس دیدگاه مقاصدی در فقه و شریعت را بنیان می‌نهد. واژه تعلیل به معنای کلی آن یعنی تعلیل احکام شریعت به جلب مصلحت و دفع مفسده، از معنی اصلی اصطلاح " علت " زاده شده است.

جستجو از سبب، جستجو از دلیل و استدلال و یا آشکار ساختن رمز و راز، هدف مکتب تعلیل است. در حقیقت مسأله تعلیل، پایگاهی نظری می‌سازد که مبنای تفکر قانون‌گذاری می باشد؛ زیرا کاوش از علت، پرده برداشتن از بنیانی است که شارع در تشریع احکام بدان نظر داشته است. به عبارت دیگر تعلیل آشکار ساختن مراد شارع از حکم است یا به تعبیر دیگر، مقصد یابی احکام است که توسط محقق لباس معقولیت را بر تن احکام می‌کند: «زیرا علت و سبب حکم، منطقی بودن نص و معقولیت آن را نشان می‌دهد نه لغو بودن آن‌را» (ابن عاشور، مقاصد شریعت، ۳۹۴)

در مقابل، واژه " تعبد " که در لغت به معنای دعوت به فرمانبرداری و اطاعت است، عنوان مکتب دیگری است که نکته مقابل مکتب تعلیل می‌باشد. در تعریف تعبد گفته‌اند: «چیزی را بدون

Archive of SID

www.SID.ir

چون و چرا پذیرفتن»؛ و یا «هر گاه مفاد حکمی مطابق هیچ یک از قواعد عقلی و عرفی نباشد و فکر بشر ازیافتن محمل بر آن عاجز باشد می‌گویند این حکم از باب تعبد است.» (ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحت اصول،۱۴۹)

تعبد عنوان مکتبی است که طرفدارن آن منکر تعلیل احکام گشته‌اند و چشم خود را بر روی آیات و روایاتی که در جای جای قرآن کریم صاحبان عقل و تفکر را به اندیشیدن پیرامون علل امور و احکام فرا خوانده است، بسته‌اند و از یاد برده‌اند که عقلانیت به معنای خروج از تعبد نیست. در هر صورت تعلیل، به معنی علت یابی برای احکام و تعبد، به معنی اسارت در معانی ظاهری احکام و توجه نکردن به روح دستورات و غایت آنان، دو دیدگاه جداگانه و متفاوت است، و بحث پیرامون "مقاصد فقه" مبتنی بر دیدگاهی است که پژوهشگر نسبت به تعلیل و تعبد اختیار می‌کند.

نظرات در مورد مقاصد شریعت مختلف است؛ برخی راه افراط و گروهی راه تفریط را پیش گرفته‌اند؛ عده‌ای قائل به تعبد و عده‌ای قائل به تعلیل شده‌اند. پاره‌ای از عالمان چون «ظاهریه» دربند معانی ظاهر عبادات بوده‌اند و در فلسفهٔ قانونگذاری، تعمق و غور نمی‌کردند؛ مانند «ابن حزم» که فصلی جداگانه در ابطال قول به علل و مقاصد، در کتاب خویش آورده است (جعفری لنگرودی،دانشنامه حقوق،۴۸) و گروهی چون امام شاطبی، توجه به آن را پایه اصلی اجتهاد مجتهد شمرده‌اند؛ وی می‌گوید «لغزش دانشمند در بسیاری از موارد، به خاطر غفلت از اهداف دین در موضوعاتی است که به اجتهاد در آن پرداخته است.» (غرناطی، الموافقات فی اصول الشریعهٔ، ۴، ۱۷۰) و آن‌چه مجتهد را جانشین پیامبر(ص) و شایسته اداره جامعه می‌کند، توجه به هدف شارع در هر یک از مسائل و ابواب شریعت است. (همان،۱۰۶)

نظریهٔ «مقاصد» محصول تأمل عقل منطقی استواری است که شریعت را جزء شریعتی مبتنی بر حکمت و سرشار از رحمت و عدل نمی‌بیند؛ از طریق استقرا نیز می‌توان به اتقان این نظریه پی برد. دکتر وحبه الزحیلی مقاصد شریعت را این گونه تعریف می‌کند:

«مقاصد شریعت همان معانی و اهدافی است که توسط شرع در تمامی احکام یا قسمت عمده احکام لحاظ شده است یا همان نهایت و غایت شریعت و اسراری است که شارع برای هر حکمی از احکامش وضع کرده است و شناخت آنها امری ضروری برای همه مردم است. برای مجتهد

Archive of SID

www.SID.ir

هنگام استنباط احکام فهم نصوص و برای غیر مجتهد به منظور شناخت اسرار قانونگذاری» (زحیلی، اصول فقه الاسلامی، ۲ ، ۱۰۱۷)

البته مقاصد بدون لحاظ شرایط آن، قابل اعتماد نیست از آن جمله، مقصد باید ثابت، ظاهر، منضبط، گسترده و... باشد. (شلبی، اصول الفقه الاسلامی، ۵۱۲ به بعد)

بهتر آن است که نه منکران مقاصد را به کج فهمی متهم نماییم ـ زیرا فهم مقاصد خود آنان از این سخن نیاز به عوامل و شرایطی دارد که از توان بحث ما خارج است ـ و نه هرگونه گفتگو از اهداف دین را به تهمت خروج از عبودیت محکوم نماییم و آیهٔ «لایسال عما یفعل» را به رخ مخالفان بکشیم. برخی از محققان، حدود ۲۴ اثر منفی ، به خاطر غفلت از بحث مقاصد شریعت و فقه اولویات، بیان نموده‌اند (جابر العلوانی،۱۴۲۱، ۱۲۷ـ ۱۳۰) و این مسئله، اهمیت بحث را روشن‌تر می‌کند.

ما مباحث کلی مقاصد، مانند معانی مختلف و راه‌های کشف آن، ادله طرفداران و منکران و...نمی‌پردازیم؛ زیرا بحث ما به‌طور خاص در مورد میزان توجه یکی از فقهای شیعی به مقاصد شریعت است. لازم به ذکر است که اکثر فقهای شیعه به این مسئله توجه داشته‌اند؛ شیخ مفید در «المقنعه»، شیخ طوسی در «المبسوط»، محقق حلی در «شرایع الاسلام»، صاحب جواهر، شیخ انصاری در «المکاسب»،کرکی در «جامع المقاصد»، امام خمینی در«المکاسب المحرمه» و فتاوی خود و... همه افراد مذکور ازجمله عالمانی هستند که کم و بیش به مسئله تبعیت احکام از مصالح و اهداف، توجه نموده‌اند.

اکنون وقت آن رسیده است که دامنهٔ بحث را محدود نمائیم و مشخصاً در مورد یک دانشمند شیعی سخن بگوییم. در ضمن زحمات و مجاهدتهای تمامی اندیشمندان سنی و شیعه را که در تنقیح و تبیین این بحث مهم، متحمل شده‌اند، ارج می نهیم؛ زیرا آنان در زدودن غبار از فقه اسلام و نشان دادن کارآیی بالای آن نقش مهمی ایفا نموده‌اند.

محمد جواد مغنیه کیست؟

از باب حدیث‌شریف‌نبوی که‌فرمود:«من‌ورّخ مومناً فقدأحیاه»بهتراست که نگاهی‌بسیار مختصر

Archive of SID

www.SID.ir

به افکار و شخصیت شیخ مغنیه داشته باشیم (مغنیه، تجارب محمدحواد مغنیه بقلمه، ۱۹۸۰ و کسار،محمد جواد مغنیه حیاته منهجه فی التفسیر،۱۴۲۰)

وسعت فکر شیخ مغنیه به حدی بالا بود که او اکتفا به مطالعات بلاد اسلامی را کافی نمی‌دانست و معتقد بود باید تفکر غرب نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

« توجه و اتصال به افکار غرب از یک یا چند طریق ضروری است هیچ کس و هیچ فرهنگی نمی‌تواند خود را کنار کشد. ولو از طریق شخصیت‌هایی که این ارتباط را داشته‌اند مانند«امین ریحانی». «زکی نجیب محمود» و «طه حسین» و... و یا از طریق مجلاتی مثل «عالم الفکر» و «الفکر المعاصر»و... .» (مغنیه، التجارب، ۲۳۹)

با وجود این معتقد بود که قلم و فکر باید در خدمت انسان باشد:

«أنا علمت و نفعت فانا موجود، اما الافکار و التصورات التی یجترها المتفلسفون و لا تهدی الی خیر فهی مجرد اصوات تذهب مع الریح» (مغنیه، الاسلام بنظرة عصریه، ۳۳)

وی در نگارش، سه اصل مهم را در نظر می‌گرفت: ۱. ترکیز؛ ۲. ایجاز؛ ۳. وضوح.

وی حفظ کرامت انسان را از مقاصد عالی شریعت می‌دانست و معتقد بود:

«المحور الذی یدور حوله قلمی؛ هو الانسان و استقلاله و کرامته هو أن یتعاون جمیع الناس من اجل حیاة طیبة آمنة... فالانسان هو الغایة و القیمة العظمی» (همان، ۱۳۵)

او به«فقه اولویات» اعتقاد داشت؛ همان گونه برخی بزرگان چون شیخ یوسف قرضاوی بدان پافشاری می‌کند، همچنان‌که درمورد اولویت حرمت «حلق لحیه» و سایر منکرات بزرگتر با قشریان بحث نموده است(کسار، محمدجواد مغنیه حیاته منهجه فی التفسیر،۱۰۰) لکن لزوم اندیشه در یافتن اولویات و معرفت کامل در این مورد را متذکر می‌گردد؛ اتفاقی که برای ایشان افتاده است و گفتگویی که با یکی از علماء نموده ، مؤید این نکته است:

«...شیخ رابع صادفنی ذات یوم و فی یدی مجموعة من المجلات و الجرائد فتعجب و قال: حرام علیک شراؤها و کان الاولی أن تدفع ثمنها للشعب الفلسطینی؛ قلت له ؛ الحرام، حرّمه الله و انا بهذه الصحف أعرف من هم اعداء الشعوب و الانسانیة و اطّلع علی اخبار الفلسطینیین، و مدی وعیهم و صمودهم و تضحیاتهم، و اطلع ایضاً علی حرکات التحرّر فی کل مکان و اشارکها آمالها و

Archive of SID

www.SID.ir

اقول کلمه الحق بقلمی و لسانی و انا علی بصیرهٔ منه» (مغنیه، تجارب محمد جواد مغنیه بقلمه، ۱۳۵)

شیخ در فقه و اصول فقه کتاب‌های ماندگاری به رشته تحریر در آورد که عبارتند از:

۱. فقه الامام جعفر الصادق ثلاثهٔ مجلدات
۲. علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید
۳. اصول الاثبات فی الفقه الجعفری
۴. الفقه علی المذاهب الخمسه
۵. الاسلام بنظرهٔ عصریهٔ و ...

شیخ مغنیه، فقیهی احیاگر و روشن بین

مغنیه توجه و اهتمام زیادی به عناصری دارد که در احیاء نقش دین دخیل هستند. لذا دائماً به موضوعات مهمی چون اختلافات مسلمان داخلی و خارجی، وحدت و تفرقه، شیعه و سنی، جمود و تحجّر و به ویژه نسل جوان می‌پرداخت. (کسار، محمد جواد مغنیه حیاته منهجه فی التفسیر، ۸۳).

مغنیه از این نظر با سید صدر اشتراک داشت که وی نیز به سستی اراده مسلمانان به عنوان بزرگترین خطر برای امت اسلامی، توجه داشت که آنان را عاجز کرده و با امام خمینی هم عقیده بود که هدف غرب تعطیل اراده انسان شرقی است. (همان، ۹۳)

یکی دیگر از علل عقب ماندگی جهان اسلام، فقها و علمای کج اندیش و جمود برخی از آنان است (همان، ۸۶) وی کج فهمی را دائماً نکوهش می‌نمود و بین «دین» و «فهم دینی» فرق می‌گذاشت.

در مورد مقصد اصلی دین و مصلحت ها به صراحت می‌گوید:

«من اعتقاد جزمی دارم که هدف دین اصلاح حیات و زندگی و تنظیم آن و رساندن به برترین و کاملترین درجه است؛ و این‌که هر جا مصلحت یافت شود پس از شریعت الهی است چه مصلحت عام باشد و چه خاص؛ البته در حدودی که خداوند حلال نموده، لذا به همه مردم توجه دارد.»(مغنیه، تجارب محمد جواد مغنیه بقلمه، ۴۴۴)

Archive of SID
www.SID.ir

وی برای عقل جایگاهی والا قائل است، به حدی که می‌گوید:

«ونعلنها کلمهٔ صریحهٔ واضحهٔ لا مجاز فیها ولا تأویل؛إن کل ما یأباه العقل یأباه الدین و کل ما یقره العقل یقره الدین و کل ما فیه الخیر و الصلاح فهو من الدین بالصمیم»(کسار ،محمد جواد مغنیه حیاته منهجه فی التفسیر، ۱۰۴)

به نظر وی بین علم و دین هم هیچ تضادی وجود ندارد و اصلاً علم نمی‌تواند با دینی که اساس دعوت او به علم است، محاربه کند:

«بر این اساس مغنیه علم را که اسلام بدان تشویق می‌نماید، منحصر در علم دینی نمی‌داند بلکه مفهوم آن را عام می‌شمرد یعنی هر آن‌چه به حیات مربوط است و طلب آن را واجب و ضرورت برای مسلمین می‌شمرد»(همان، ۱۰۵)

با این نگرش مفاهیم دینی نیز از نگاه او تغییر می‌یافت و به نتایج جالبی می‌رسید. یکی از نتایج، نوع نگرش او به فقه و فقاهت و حوزه‌های علمیه و لزوم اصلاحات در انهاست، که به طور مختصر به آن اشاره می‌کنیم.

جواد مغنیه در عرصه فقه و فقاهت

مغنیه با وجود آن‌که به درجه اجتهاد رسید، ولی برای مرجعیت خود قدمی برنداشت. هرگز تجدید حیات حوزه‌ها را محدود به حوزه‌های شیعه نکرد و همان قدر که به نجف و قم فکر می‌کرد، به«الازهر»هم می‌اندیشید لذا او حوزه‌نجف و ازهر را«قادهٔ الدین»می‌دانست.(همان، ۱۲۲)

وی همواره از همراه نشدن علوم دینی با پیشرفت‌ها گلایه می‌نمود و معتقد بود کتب، علوم و مدارس ما نیز باید به روز شود. (مغنیه، الاسلام بنظره عصریه،۱۰۱)

او علاوه بر شرط عدالت ، کفایت و توانمندی، ادارهٔ جامعه را نیز از شرایط مهم مجتهد می دانست (مغنیه،تجارب محمد جواد مغنیه بقلمه، ۵۹)؛ در نگارش مقالات نیز به «مقاصد و اهداف تشریع» توجه خاص می‌نمود:«کتب مغنیهٔ فی سنهٔ ۱۹۵۱بحثاً ینبئ عن التفکیر التجدیدی بشکل أوضح حمل عنواناً دالاً هو: نحو الفقه الإسلامی فی ثوب جدید نشر فی مجلهٔ النشرهٔ القضائیهٔ التی تصدر عن وزارهٔ العدل فی لبنان.کان الهدف من المقالین دعوهٔ الی إعادهٔ النظر فی بعض المسائل

Archive of SID

www.SID.ir

الفقهیهٔ علی أساس‌مصلحهٔ العامهٔ والعمل بروح النص لا بظاهره والهدف فی‌التشریع» (همان، ۱۳۱)

توجه او به انقلاب اسلامی ایران و نگارش کتاب«الخمینی و الدولهٔ الاسلامیهٔ» در راستای تحسین عقاید احیاگرانه در فقه و توجه به مصالح اجتماعی بوده است. اهم تلاش‌های او در راستای اصلاح اجتهاد فقهی برای وصول به اهداف زیر بوده است:

۱. فقه برای تمامی عرصه‌های زندگی شمولیت دارد.
۲. دخالت زمان و مکان در اجتهاد، فقه را بالنده می‌کند.
۳. فقیه نباید از مقاصد عالی شریعت غافل باشد..

«لذلک ینبغی أن لا تغیب الروح المقاصدیهٔ هذه عن الفقیه و هو یمارس الإستنباط بالأخص فی الأمور الفرعیهٔ و الفردیهٔ التی تساهم فی طمس المنحی المقاصدی » (کسار، محمد جواد مغنیه حیاته منهجه فی التفسیر، ۱۴۵و ۱۴۶)

بر همین اساس، او علاوه بر شروط شهور مانند امام شاطبی شرایط دیگری برای مجتهد ـ علاوه بر شرایط مشهور ـ در نظر می‌گیرد؛ مانند توجه به زمان و مکان، توجه به مقاصد عالی شریعت و .... «و المجتهد المطلق حقاً و واقعاً فی عصرنا هو الذی یخلق و یبدع علی أساس المصلحهٔ فی حدود المبادئ العامهٔ» (مغنیه، الاسلام بنظره عصریه، ۱۰۳و۱۰۴)

او شخصیتی است که در آثار فقهی خود به عرف و فهم اجتماعی نصوص، توجه ویژه کرده است؛ تا جایی که علامه سید محمد باقر صدر این نوع نگاه او را در کتاب «فقه الامام جعفر الصادق» می‌ستاید و فرق نهادن بین مدلول لغوی (لفظی) نص با مدلول اجتماعی آن را عملی مبارک و قابل ستایش می‌شمرد.(صدر، الفهم الاجتماعی للنص فی فقه الامام الصادق، ۹۰ به بعد)

توجه فراوان به فقه مقارن با توجه به تألیف کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه» و توجه به آسان سازی فقه نیز از ویژگی‌های بارز او در حوزه فقه و فقاهت بوده است.

عنایت مغنیه به مقاصد شریعت

مهمترین اثر فقهی شیخ مغنیه کتاب « فقه الامام جعفر الصادق(ع) »است که در ۶ جزء و ۳ مجلد چاپ شده است. از باب رعایت اختصار و نه به صورت استقرا تام، نمونه‌هایی از توجه ایشان

Archive of SID

www.SID.ir

به مقاصد را از این کتاب و آثار دیگر او بیان می‌کنیم:

ایشان برای عبادات غایت و هدفی را ثابت می‌داند که اگر انسان را به آن هدف برساند، عبادات کامل خواهد بود؛ اگرچه به نظر وی عبادات اموری تعبدی هستند.

«مهما یکن فإن علی من یتکلم فی مسائل دینیهٔ و الشرعیهٔ أن لا یعتمد علی مجرد إدراکه و فهمه لأن دین الله لا یصاب بالعقول» (مغنیه، فقه الامام جعفرصادق علیه السلام، ۲۴۴)

وی در کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه» مقاصد دین در تشریع نماز جماعت و اهمیت آن را متذکر می‌شود (مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ۱۳۳) و در مسئله وجوب یا عدم وجوب پرداخت سهم زکات «مؤلفهٔ قلوبهم» توجه یا عدم توجه به مقاصد این حکم را باعث ابراز نظرات مختلف دانسته است. (همان، ۱۸۰)

در مورد فرار از زکات و حیله در پرداخت آن، این‌گونه حیل شرعی را با نیت خالص، در منافات می‌داند؛ زیرا مقصد شریعت در تشریع زکات، تطهیر نفوس است که با حیل شرعی سازگاری ندارد.

«وأن الله سبحانه ینظر الی الواقع و الأعمال لا الی الألفاظ و الأشکال» (مغنیه،فقه الامام جعفرصادق علیه السلام، ۱و۲، ۹۴)

در جواز صرف زکات توسط خود انسان و عدم وجوب دفع آن به فقیه جامع الشرایط، فلسفه و مقصد اصلی شارع در این حکم را حفظ کرامت انسان و عدم وجود واسطه بین خدا و انسان می‌داند و بهترین راه اتصال به خدا را نیت پاک می‌شمرد.(همان، ۸۹ و۹۰)

درمسئله حرمت (فرار از زحف) به علت تشریع آن، از نگاه قرآن پرداخته، آیه ۱۶ سوره مبارکه انفال و قول امام رضا (علیه السلام) را ذکر می‌کند که در این باره فرمود:«حرم الله تعالی الفرار من الزحف و ما فیه من وهن فی الدین و من الجرأهٔ علی المسلمین ومن السبی و القتال وابطال دین الله تعالی و غیر ذلک من الفساد » (همان، ۲۶۴)

در فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر می نویسد:«مقصد شریعت در واجب نمودن آن (امر به معروف و نهی از منکر) به اصلاح اجتماع برمی گردد که اگر برداشته شود ، برکات نیز از اجتماع رخت برمی بندد. (همان، ۲۷۷)

Archive of SID

www.SID.ir

وی در طهارت یا نجاست اهل کتاب، بهترین دلیل طهارت آنان را در نظر گرفتن مقاصد شریعت اسلام میداند:«و لیس من شک ان القول بالطهارة یتفق مع مقاصد الشرعیة الاسلامیه السهلة السمحة و ان القائل بها لا یحتاج الی دلیل لانها وفق الاصل الشرعی و العقلی و العرفی و الطبیعی » (همان ، ۳۱)

در مورد چیزهایی که فقیهان احتکار آنها را حرام دانسته اند، مناقشه می‌کند و معتقد است با توجه به هدف شارع باید مورد احتکار برحسب مقتضیات و نیازهای زمان و مکان تغییر یابد؛ زیرا«...خلاصه اینکه جمود نص در این موارد، موجب طعن دین و شریعت پیامبر اکرم می‌شود.»(مغنیه،فقه الامام الصادق ، ۱۴۲۰، ۳و۴ ، ۱۴۵)

در باب سبق و رمایه با توجه به مقصد شریعت، خویش را محدود به آنچه فقها گفته‌اند، نمی‌کند و معتقد است با ابزار و سلاح‌های جدید نیز می‌توان این نوع قرار داد را منعقد نمود؛ زیرا هدف شارع آمادگی با سلاح‌های هر دوره بوده است و آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة » نیز شاهد این سخن است.

«و الرسول الأعظم انما ذکر هذه الثلاثه (الحافر، الخف، النص)، لأنها السلاح المعروف دون غیرها فی عصره و لیس هذا اجتهاداً منا فی قبال النص و انما هو اجتهاد صحیح و مرکز فی تفسیر النص یتفق کل الاتفاق مع مقاصد الشریعة السمحة الغراء» (همان، ۲۳۵)

همین طور در رد اجتهاد در برابر نص و تأیید اجتهاد در تفسیر نص به جواز ذبح با نحاس و ذهب و فضه اشاره می‌کند و آن‌را مطابق با مقاصد شریعت می‌شمرد. (همان، ۱۴۲۰، ۳۵۶)

مقاصد شریعت در معاملات (غیر عبادات)

مغنیه فهم مقاصد شریعت در معاملات را ممکن می‌داند:

«زیرا معاملات تعبدی نیست و غالباً مصلحت آنها ظاهر است... پس بهتر آن است که بین نص و مصلحت معلوم جمع نمود.» (همان، ۱۳، ۱۵۸)

شیخ صحت بیع فضولی را مستند به فلسفه صحت بیع غیر فضولی ـ یعنی رضایت هر دو طرف ـ می‌داند و می‌گوید اگر مالک اجازه دهد، بیع فضولی نافذ و صحیح است و مقصد شارع نیز

Archive of SID

www.SID.ir

محقق شده است. (همان، ۳ و۴، ۹۱ و۹۲)

ایشان ضمن بیان هدف شارع از بطلان عقد در حال اغما و مستی، غضب و خشمی را نیز که بر عقل مستولی گردد، موجب بطلان عقد می‌داند؛ زیرا همان هدف در اینجا نیز موجود و قابل فهم است.(مغنیه، فقه الامام جعفرالصادق علیه السلام، ۵۵) در بحث زبان صیغ عقود، لزوم عربی بودن آنها را با فلسفه و هدف فقه که مبتنی بر سهل‌گیری است، در منافات می‌بیند و لازمهٔ آن را عسر و حرجی می‌داند که با اهداف شریعت سازگار نیست. در ماضویت صیغه نیز سخن کسانی را تأیید می‌کند که آن را لازم نمی‌داند؛ چون فلسفه و قصد این است که رضا و اراده دو طرف را ـ هر طور که باشد ـ تعبیر نماید. (همان،۳۶)

در تزاحم برخی واجبات چون زواج و حج نیز توجه به مقاصد دین را یکی از راه‌های تشخیص اهم از مهم می‌شمرد و می‌گوید اگر ترک زواج، حرج و مشقت داشته باشد، تقدیم آن بر حج واجب، لازم است و شافعیه و حنابله نیز همین نظر را دارند. (مغنیه، الفقه علی المذاهبالخمسه، ۱۹۴و۱۹۵)

در مسئله «کفاءت در نکاح» آن را با توجه به اهداف دین مانند (إن اکرمکم عند الله اتقکم) و... معنی می‌کند و با تأیید نظر مالکیه، کفاءت را فقط در دین معتبر می‌شمرد. (همان، ۳۲۶)

فلسفه اینکه سکوت در نکاح نشانه قبول و اجازه نیست، از نگاه شیخ این است که:

«لانّ الحیاء یمنعها من النطق» (مغنیه،قه الامام جعفرالصادق علیه السلام ، ۳و۴، ۹۷) و لذا در هرجای دیگری که حیا و شرم و خجالت مانع از سخن و قبول باشد، همین حکم جاری و ساری است.

در بحث مشروعیت خیار شرط، پس از ذکر ادله روایی و اجماع، دلیل اصلی آن را عدم تعارض با مقاصد شریعت می داند و معتقد است هر آنچه با مقاصد شریعت متعارض نباشد، صحیح است .

«کل ما ... لایتعارض مع مبادی الشریعهٔ و مقاصدها، فهو جائز عقلاً کان او شرطاً» (همان، ۱۶۱)

Archive of SID

www.SID.ir

آنجا که از بیع معاطات صحبت می‌کند، اقوال چهارگانه بین فقهای مذهب جعفری را بیان می‌کند و بر سخن دکتر سنهوری که گفته‌اند «المذهب الجعفری، لایجیز المعاطاۀ » ایراد وارد می‌کند و درست‌ترین سخن را قولی می‌داند که معتقد است «بانّ المعاطاۀ تفید الِملک اللازم»

یکی از دلایل مهم این سخن این‌که: «... مثل این معامله با مبادی دینی که مبتنی بر سهولت و سماحت است، هماهنگی کامل دارد» (همان، ۲۴-۲۶و۳۲)

یعنی، جواز بیع معاطات با مقاصد شرع، برخی روایات را به گونه‌ای دیگر معنی می‌کند و این تفاوت در تفسیر روایات در آثار او فراوان به چشم می‌خورد؛ از آن جمله «تأبیرفخل» را که حتی نص هم دارد، با زمان پیامبر (صلوات الله علیه) متفاوت می‌داند و باز تأکید می‌کند که این اجتهاد در برابر نص نیست بلکه اجتهاد در استخراج معنی از نص است.(مغنیه، فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام، ۸۱)

و در عدم جواز شهادت سائل بر علیه دیگری به نقل از امام باقر (ع) و ایشان به نقل از پیامبر مکرم اسلام، مقصد وهدف آن را از حضرت محمد (ص) چنین بیان می‌کند که:

«ردّ رسول الله شهادۀ السائل الذی یسأل بکفه و ذلک انّه إذا اعطی رضی وإذا منع سخط» (همان، ۵و۶ ، ۱۵۰)

ایشان در جزئیات امور کیفری نیز توجه زیاد به مقاصد شارع دارد؛ مثل حفظ کرامت انسان، حمایۀ الاسرۀ و حفظ و حمایت از جامعه و اجتماع و ... .

وی حفظ کرامت و ضرورت پوشاندن عیوب و عدم تشییع فواحش را مقصد اصلی شارع در حدود می‌داند(همان،۲۵۰)، در جای دیگر می‌گوید: «در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که هرگاه به گناه مبتلا شد، شایسته است که آن را بپوشاند و توبه نماید و خویش را مفتضح و خوار نکند. امام(ع) فرمود: اگر کسی از شما پس از ارتکاب گناه، آن را بپوشاند، ضرری ندارد همچنان‌که خداوند آن را می‌پوشاند... و همین طور مستحب است برای کسی که دیگری را در حالت زنا دیده است، تجاهل کند و شهادت بر علیه او ندهد.

امام (ع) فرمود: اگر تو اورا(زناکار)بالباس‌خویش می‌پوشاندی، به‌حال‌تو بهتر بود.(همان، ۲۵۲)

و در نهایت این‌که :

Archive of SID

www.SID.ir

«آنچه ما از این روایات و وجوب چهار شاهد عادل، استفاده می‌کنیم، این است که مقصد اول و اصلی شارع، حمایت از خانواده و صیانت آن از پاشیدگی و ضایع شدن است.» (همان، ۲۵۳)

نتیجه

توجه به عناصری مانند «مصلحت» و «مقاصد فقه» تنها اختصاص به فقیهان غیر شیعی ندارد بلکه شخصیت‌های بزرگی چون شیخ محمّد جواد مغنیه، علامه محمّد باقرصدر و... این مطلب را با توجه به مبانی فقهی خود پرورش داده‌اند؛ با نگاهی به آثار ایشان نکات زیر قابل برداشت است:

۱. در معاملات فهم مقاصد کاملاً برای بشر امکان پذیر است و نکته مبهمی وجود ندارد.

۲. در عبادات معنای وجود مقاصد، این نیست که علل و حکمت همه انها برای بشر قابل فهم است؛ بلکه به این معنی است که خداوند در عبادات هدف دارد و با یاری گرفتن از عواملی چون نصوص و عقل سلیم می‌توان به آنها دست یافت.

۳. هرجا که برای فقیه مسلم شد، با انجام یک عمل، دسترسی به مقاصد امکان ندارد، می‌تواند فتوی را تغییر دهد.

۴. توجه به مقاصد فقه و عرفیات بخصوص در معاملات مورد تأیید متون دینی و منابع فقه ماست.

فهرست منابع:

۱- ابن حزم، علی بن احمد، **الاحکام فی اصول الاحکام**، دارالکتب العلمیهٔ، {بی تا} .

۲- ابن عاشور، محمد طاهر، **مقاصد الشریعهٔ الاسلامیهٔ** ، الشرکهٔ التونسیهٔ للتوزیع، ۱۹۷۸ م.

۴- جابر العلوانی، طه، **مقاصد الشریعهٔ** ، المطبعهٔ: ستاره ، قم، ۱۴۲۱.

۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **دانشنامه حقوق**، انتشارات امیر کبیر تهران،چاپ پنجم،۱۳۷۶هـ.ش.

۶- زحیلی، وهبه، **اصول الفقه الاسلامی**، بیروت، دارالفکر المعاصر، الطبعهٔ الاولی، ۱۴۰۶ هـ

۷- شلبی، محمد مصطفی، **اصول الفقه الاسلامی**، بیروت، دارالنهضه العربیهٔ، لبنان، ۱۴۰۶ هـ

Archive of SID

www.SID.ir

۸- صدر، سید محمد باقر، **الفهم الاجتماعی للنص فی فقه الامام الصادق**، بیروت، دارالزهراء ،۱۹۷۵.

۹- غرناطی مالکی، ابراهیم ابن موسی(شاطبی)، **الموافقات فی اصول الشریعة**، شرح عبدالله درّاز المکتبة التجاریة الکبری، مصر، {بی تا}.

۱۰- قرضاوی، یوسف، **العبادة فی الاسلام**، {بی نا} {بی تا}.

۱۱- کسّار، جواد علی، **محمد جواد مغنیه حیاته منهجه فی التفسیر**، قم، دارالصادقین للطباعة و النشر ایران،۱۴۲۰هـ .

۱۲- مغنیه، عبدالحسین، **تجارب محمد جواد مغنیه بقلمه**، بیروت، دارالجواد،۱۹۸۰ .

۱۳- مغنیه،محمد جواد، **فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام**، قم،مؤسسه انصاریان للطباعة والنشر،۱۴۲۰هـ

۱۴- مغنیه،محمد جواد، **الفقه علی المذاهب الخمسه**،مؤسسه الصادق للطباعة والنشر،الطبعة الرابعة،۱۳۷۷هـ

۱۵- مغنیه، محمد جواد، **الاسلام بنظرة عصریة**، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۷۳ م.

Archive of SID

www.SID.ir